روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵
www.sharghdaily.ir
دوشنبه ۲۳ خرداد ۱۴۰۱ • ۱۳ ذی‌القعده ۱۴۴۳ • ۱۳ ژوئن ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۳۰۱ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۴ • اذان مغرب ۲۰:۴۲
اذان صبح فردا ۴:۰۲ • طلوع آفتاب ۵:۴۸

روزنامه شرق

◆ مراسم بدرقه نخستین کاروان زائران حج تمتع بامداد روز یکشنبه در ترمینال سلام فرودگاه امام خمینی برگزار شد.
عکس: فارس

دیالوگ روز

ارتفاع پست - ابراهیم حاتمی کیا - ۱۳۸۱

نرگس (همسر قاسم- لیلا حاتمی): تو از قاسم چی میدونی؟ فک کردی قاتله؟ دزده؟ آدمکشه؟ اونم برای این مملکت زحمت کشیده. تو که خوزستانی نیستی. جنگ که تموم شد، برگشتی سر خونه زندگیت. ولی اون موقع تازه اول بدبختی ما بود. نه کار بود، نه آب، نه برق... . ننه چرا از دامادت حرف نمی‌زنی؟ چرا نمی‌گی یه‌تنه خرج همه‌مونه می‌داد؟ مالک خوشحالی؟ شما که قاسمو نمی‌شناسید. نمی‌دونید چندتا شغل عوض کرد. یه آمپول نمی‌تونست بزنه برا این بچه. تو فکر می‌کنی قاسم برای عیاشی و خوشگذرونی می‌خواد بره اونور؟ نه اون موقعی که همه وقت خوشگذرونی‌شون بود، قاسم لب جاده آب می‌فروخت... .

یادداشت

نشاط و پایداری اجتماعی، آسیب‌ها و راهکارها

علی ربیعی

برخی سنجش‌های علمی در سطح ملی یا محدود، نشانگر نوعی کاهش امید به آینده و پایین‌آمدن انتظار بهبود وضعیت است و این امر تنها عرصه اقتصادی را شامل نمی‌شود؛ افت شاخص اطمینان به آینده و ناامیدی رایج در جامعه، در صورت تداوم، نشانگان خوبی برای تداوم حیات اجتماعی پویا و تحول‌گرا نیست. برخی اتفاقات مانند نوعی از مهاجرت‌های همراه با اعتراض را می‌توان نتیجه این شرایط و ادراک‌های ذهنی ناشی از آن دانست که با توجه به مشاهدات روزانه و بدون نیاز به انجام سنجش‌ها هم به‌خوبی قابل بررسی است. از ملاحظات تأمل‌برانگیز دیگر در روزهای اخیر می‌توان به تغییرات رفتاری و پرخاشگرانه‌شدن کنش‌ها همراه با نفرت در رفتارهای اجتماعی نام برد.

در یک تحقیق علمی که نوشته‌های حک‌شده بر در و دیوار فضاهای عمومی را تحلیل محتوا می‌کرد، دریافتم بعد از «وقایع ۸۸» تندشدن کلامی و نوشتاری پرخاشگرانه و روی‌آوردن به افراط‌گری تخریبی در صف‌بندی‌های سیاسی به‌خصوص دانشجویان رشد یافته بود.

این روزها نیز شکل بسیار تشدیدشده و غیرقابل مقایسه‌ای از خط‌ونشان کشیدن‌ها و رویارویی‌های افراطی را در اظهارنظرهای طرح‌شده در محافل و حتی خیابانی یا محتواهای تولید و منتشرشده در فضای مجازی و کامنت‌ها مشاهده می‌کنیم. احساس من این است که این روند، در حال تشدید بوده و بدون‌تردید ثبات اجتماعی، نشاط، شادابی و زیست مسالمت‌آمیز و مداراگرایانه را که لازمه حیات پویای اجتماعی است، به‌طور جدی تهدید می‌کند.

یک نظام هوشمند باید با درک این شرایط و با بهره‌گیری از علوم انسانی و اجتماعی حتی با استفاده از حضور محققان منتقد، به تبیین راهکارهای ایجابی و همچنین دست‌کشیدن از برنامه‌های تشدیدزا به سمت ساماندهی این وضعیت پیش رود.

از یک‌سو جامعه و مردم خسته از فشارهای معیشتی و اقتصادی و ناامنی‌های روانی حاصل از فشارهای خارجی و داخلی مرتبا با موجی از تخریب‌های ناامیدکننده مواجه شده است و از سویی دیگر با چالش گفت‌وگوهراسی از سوی برخی دولتمردان و دستگاه‌ها هم روبه‌رو هستیم. این پدیده به بهانه نگرانی از ترویج نظریه‌های لیبرال غربی و همین‌طور غیرپنداری هر حرف نواندیشانه، روی داده و منجر به محدودیت رسانه‌ها، تنگ‌شدن فضای دانشگاه و... شده است. نتیجه چنین فضایی رخ‌دادن عارضه و سندروم بی‌میلی به شنیدن صدای نقادان از یک‌سو و امتناع جریان روشنفکری از همکاری با جریان قدرت برای حل مسائل و گفت‌وگو از سوی دیگر است که آسیب‌شناسی آن به مجالی دیگر نیاز دارد.

مطالعات نشان می‌دهد ادراک افراد جامعه از احساس فساد و ناکارآمدی و سختی زندگی زمینه‌ساز پذیرش مطالب منتشرشده و برهم‌زننده آرامش روانی است و در نتیجه سبب ایجاد ناکامی مزمن و بروز رفتارهای تعرضی در آنان می‌شود. یکی از فرصت‌های پیشگیری از این مسئله، تقویت میانجی‌های اجتماعی و عدم ممانعت و حتی زمینه‌سازی برای گسترش فعالیت‌های آنهاست. با توجه به این دیدگاه، اهمیت‌دادن و ایجاد امکان برای فعالیت رسانه‌ها، گروه‌های مرجع و افرادی که هنوز سخنان‌شان در جامعه شنیده می‌شود، راه‌گشاست.

هرچند شاهد فقدان یک سیاست‌گذاری درست برای تقویت تمامیت ذهنی جامعه به نحوی که افکار عمومی از میان استدلال‌ها به‌خصوص صداهای داخل مسیر درست را انتخاب کنند، هستیم، بااین‌حال می‌توان برخی گام‌ها را برای پویایی جامعه برداشت.

در اولین گام باید زمینه را برای فعالیت‌های مؤثر رسانه‌ای فراهم کرد. اتفاقا بخشی از نفرت‌پراکنی‌ها در نتیجه فعالیت‌هایی است که بدخواهان این مرزوبوم در خارج از کشور تولید و منتشر (وایرال) می‌کنند و متأسفانه کوتاه‌بینی‌های جناحی داخلی هم تشدیدکننده آنها هستند.

در سال‌های اخیر، عوامل متعددی منجر به شکل‌گیری فضای نامطلوب و محدودکننده برای فعالیت‌های سالم رسانه‌ای شده است. کنترل بیش از حد سیاسی و نگاه امنیتی به فعالیت‌های رسانه‌ای مستقل اما منتقد منجر به محدودیت و کاهش فعالیت‌های این دسته از رسانه‌ها شده است. ایجاد شفافیت، روشنگری و نقدهای راه‌گشا، منجر به عواقب و فشارهای زیادی بر خانواده رسانه شده است. در چنین فضایی، جا برای فیک‌نیوزها یا شبه‌رسانه‌ها و باج‌نیوزها در گسترش ناآرامی روانی جامعه و نفرت‌پراکنی فراهم شده است.

گام دوم وظیفه ملی گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی کشور است. متأسفانه جناح‌های سیاسی به‌طور کوته‌بینانه برای دستیابی به مقاصد آنی و از میدان به‌درکردن دیگران، با اظهارات و رفتارشان سبب نوعی منفی‌انگاری کلی در ادراک جامعه شده‌اند. حتی برخی از جریان‌ها و جناح‌های سیاسی که برای رسیدن به اهداف خود به روش‌های غیراخلاقی از ابزار رسانه استفاده می‌کنند.

گام سوم ارج‌نهادن به نهاد دانشگاه و استادان منتقد است. خالی‌کردن دانشگاه از استادانی که تا حدی نگاه نقادانه به وضعیت داشته‌اند، از اشتباهات بزرگ در کاستن از نقش میانجیگری دانشگاه‌ها بوده است.

برای عبور از این شرایط، بازکردن فضای رسانه صداوسیما، مجوزدادن به شکل‌گیری گفت‌وگوهای اجتماعی (آنچه امروز رخ می‌دهد بیشتر به یک نمایش گفت-گفت شبیه است که بین عده‌ای محدود و کم‌مخاطب رخ می‌دهد) و ایجاد فضا برای آنانی که نه در قاب صداوسیما جای دارند و نه خود را به دوربین رسانه‌های خارج از کشور سپرده‌اند، راه‌گشاست.

همچنین تدبیری برای واهمه‌زدایی از فعالیت‌های نهادهای مدنی قطعا مؤثر است. متأسفانه گزارش‌های رسیده، حاکی از آن است که در اصلی‌ترین متولی گسترش نهادهای مدنی، بر حساسیت‌های امنیتی افزوده شده است.

درمجموع، سازمان‌های مردم‌نهاد، همچنین تشکل‌های صنفی و حرفه‌ای با کم‌کردن حساسیت‌های تعیین صلاحیت، ابزار خوبی در این شرایط برای کنشگری اجتماعی آرامش‌دهنده بوده و می‌توانند در جهت تلطیف فضای جامعه به‌خوبی عمل کنند. زمان آن فرارسیده که به هدف تسهیل حرکت‌های اجتماعی سازنده، گامی بلند برداریم.

اصلاح تصورات عمومی درباره سکته مغزی

بابک زمانی*

اینکه یک شخصیت مجازی هنگام بیماری چه رفتاری می‌کند، اهمیت چندانی ندارد؛ اما از آنجا که توجه بسیاری از مردم در مخالفت یا موافقت، متوجه به این‌گونه افراد است، اصلاح تصورات عمومی درباره سلامت که قطعا با سطح سلامت مردم ارتباط مستقیمی دارد، چاره‌ای نمی‌گذارد جز اینکه برخلاف میل باطنی به این‌گونه موارد هم پرداخته شود و رفتار صحیح در مقابل رفتاری که انجام شده، مورد تأکید قرار گیرد.

آقای معروف به تیستر احساس می‌کند صورتش کج شده، شاید سکته مغزی کرده باشد (درحالی‌که آشکار است به بیماری بسیار بی‌خطر بلز مبتلا شده که در صورت یک معاینه دقیق، اصلا نیازی به سی‌تی‌اسکن ندارد)، ولی به‌هرحال به‌عنوان بیمار حق دارد نگران شود. به یک بیمارستان عمومی بزرگ مراجعه می‌کند و از آنها می‌خواهد از او سی‌تی‌اسکن مغز انجام دهند. احیانا برگه درخواست هم داشته است. بیمارستان احتمالا به دلیل وزن زیاد سی‌تی‌اسکن نمی‌کند اما می‌خواهد او را تحت نظر بگیرد؛ قبول نمی‌کند و کار بالا می‌گیرد! شاید با تحت نظر گرفتن ماهیت غیرخطرناک بیماری و عدم ضرورت سی‌تی‌اسکن را درک می‌کردند و مشکلی پیش نمی‌آمد.

کج‌شدن صورت یکی از سه علامت مهمی است که انجمن سکته مغزی ایران و سازمان جهانی سکته مغزی بر آن تأکید می‌کنند. هرکس به‌طور ناگهانی دچار کج‌شدن صورت یا فلج دست یا اختلال تکلم شد، با هر تصوری که پیش خود دارد، هرچه سریع‌تر باید از طریق اورژانس‌های شهری به مراکزی که این آمبولانس‌ها می‌شناسند، برده شود. دلیل این امر هم آن است که سکته مغزی فقط در سه ساعت اول است که درمان دارد و این آمبولانس‌ها هستند که مراکز درمان سکته مغزی را می‌شناسند. این مراکز عمدتا در بیمارستان‌های دانشگاهی و دولتی هستند و عموما در بیمارستان‌های خصوصی درمان سکته مغزی حاد انجام نمی‌شود. بسیاری از مردم که توان مالی مناسبی دارند، از مراجعه به بیمارستان‌های دولتی اکراه دارند؛ حال آنکه دقایق در درمان سکته مغزی از گرانیت، لوستر، رایحه و لبخند ارزش بیشتری دارد. سیستم متمرکز اعزام بیماران سکته مغزی نه‌تنها امکان درمان سریع‌تر را فراهم می‌کند بلکه با استفاده از اطلاعات آن می‌توان این سیستم را هرچه روزآمدتر و کاراتر کرد. مثلا درحال‌حاضر ارزیابی‌های اولیه را در آمبولانس انجام می‌دهند و در تماس با مرکز درباره بهترین بیمارستان برای انتقال بیمار می‌پرسند و به بیمارستان مربوطه پیشاپیش اطلاع می‌دهند که بیمار در حال انتقال است. پرونده بیمارستانی در حال انتقال تشکیل می‌شود و درمان بلافاصله بعد از انجام سی‌تی‌اسکن در همان محل سی‌تی‌اسکن شروع می‌شود. انجام سی‌تی‌اسکن بسیار ضروری است و بدون آن درمان امکان‌پذیر نیست اما تصمیم‌گیری درباره یافته‌های سی‌تی‌اسکن فقط از سوی تیم درمانی صورت می‌گیرد. یک سی‌تی‌اسکن بدون تیم درمان سکته مغزی، هیچ ارزشی ندارد. وقتی خونریزی رد شد که احتمال کمی است، بهترین بیمار برای درمان کسی است که سی‌تی‌اسکن او نرمال باشد؛ اگر درجاتی از سکته مغزی در سی‌تی‌اسکن ساعات اولیه دیده شود، یعنی با یک سکته مغزی وسیع روبه‌رو هستیم و ممکن است شروع درمان خطراتی داشته باشد؛ بنابراین امیدوارم تأثیرگذار محترم (خدا کند ترجمه درستی کرده باشم) همواره در سلامت باشند اما اگر این بار خود یا یکی از اطرافیانشان خدای ناکرده مشکوک به سکته مغزی بود، اولا از مراجعه مستقیم به بیمارستان خودداری کنند و با ۱۱۵ تماس بگیرند (مدت رسیدن آمبولانس در شهر تهران ۱۵ دقیقه است) و در این مدت از هر درمانی پرهیز کنند و انتخاب بیمارستان را بر عهده آمبولانس بگذارند. ثانیا اصرار بر انجام هیچ آزمایش خاصی نداشته باشند. در کار پزشکی بالینی، به‌خصوص مغز و اعصاب، باوجود اطلاعات فراوان در گوگل، هنوز پزشکان به مشاور تبدیل نشده‌اند و تصمیم نهایی را ایشان می‌گیرند. ثالثا تلاش کنند به تیم درمانی اعتماد داشته باشند و سکوت و آرامش را حفظ کنند؛ چون ممکن است مثل مورد ایشان بیماری اصلا مهم نباشد و فقط در کار درمان بیماران جدی‌تر اختلال ایجاد کنند. پزشکان و پرستاران بیمارستان‌های آموزشی هیچ چشم‌داشت مادی‌ای ندارند؛ اینان با کمک انجمن سکته مغزی ایران در چند سال گذشته موفق شده‌اند با تمام مشکلات، درمان سکته مغزی حاد را در کشور راه‌اندازی کنند. همین‌ها بودند که با کمترین حقوق و امکانات، کووید۱۹ را شکست دادند. درمان سکته مغزی در دوران کووید هم به پیشرفت خودش ادامه داد، آن‌هم از سوی دستیارانی که تنها گروه شاغل خارج از قوانین کار در کشور محسوب می‌شوند. بیمارستانی هم که ایشان به آن مراجعه کرده‌اند، فعلا یکی از بهترین بیمارستان‌های فعال کد ۷۲۴ (کد درمان سکته مغزی) است.

اینکه ایشان از تأثیرگذاری مجازی خود در کنار وظایف بسیار مهم‌تری که با غذاها دارند، نگاهی هم به فرهنگ درمان سکته مغزی در کشور داشته باشند، انتظار بزرگی است (به‌خصوص با رفتاری که از خود نشان داده‌اند)؛ اما تجربه انجمن سکته مغزی ایران در تلاش برای افزایش اطلاعات عمومی مردم در درمان سکته مغزی نشان داد در غیاب فعالان عرصه عمومی، فقط با نشست‌های مکرر پزشکان در سرای محلات پارک‌ها و...، هرجا که مردم حضور داشتند، قدرت بالایی در جذب و درک اطلاعات پیش‌گفته داشته‌اند. بنده به‌عنوان رئیس سابق انجمن و طبیبی که هرروز با بیماران سکته مغزی در تماس هستم، شهادت می‌دهم که درمان سکته مغزی حاد که تا چهار سال پیش در کشور انجام نشده بود، اکنون بدون تخصیص امکانات لازم توسط دولت برای بخش مهمی از بیماران سکته مغزی در همان سه ساعت اول انجام می‌شود و زمینه‌های درمان‌های پیشرفته‌تر با وجود مشکلات فراوان (شامل برخوردهایی مانند آنچه تأثیرگذار محترم انجام دادند) درحال استقرار در کشور است.

*** رئیس سابق انجمن سکته مغزی ایران**
عضو هیئت‌مدیره سازمان جهانی سکته مغزی

دریچه

جاده توسعه را فریاد می‌زند

زهرا مشتاق

توسعه و سرمایه اجتماعی رابطه مستقیمی باهم دارند. توسعه در تمام زمینه‌ها می‌تواند تبدیل به یک سرمایه اجتماعی شود. می‌شود مبنای توسعه را به امور زیرساختی مرتبط دانست؛ چراکه هرچه زیرساخت‌ها قوی‌تر باشد، کشور در راستای توسعه پایدار قدم برمی‌دارد. توسعه سیاسی، توسعه فرهنگی، توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی، توسعه رفاهی، توسعه آموزشی، توسعه شهری، توسعه روستایی. عناوینی که با ده‌ها زیرشاخه و پارامترهای مختلف، قابل تعریف و تبیین هستند. اهمیت، لزوم و چرایی پایبندی به حوزه توسعه برآمده از همین مفاهیم کلی است. توسعه در کشورهای پیشرفته، یک شعار نیست؛ بلکه تفکر و برنامه‌ای عملیاتی است که نه‌تنها انسان‌های کنونی و نیازهای‌شان را مورد توجه قرار می‌دهد بلکه نگاهی مؤثر و خردگرایانه نسبت به نسل‌های آینده دارد. وقتی از توسعه و سرمایه اجتماعی سخن گفته می‌شود، معنایش آن است که نسل‌های بعدی نیز باید از مواهب طبیعی و انواع رفاه حاصل از کنشمندی و تلاش‌های تکنولوژیکی انسان امروز برخوردار شوند. مواهب طبیعی و غیرطبیعی از آنِ همه موجودات هستی از انسان‌ها گرفته تا حیوانات و گیاهان است و ازاین‌رو توسعه پایدار در راستای تبدیل‌شدن به سرمایه اجتماعی تا نسل‌های بعدی، همه انواع حیات را شامل می‌شود. از کوه تا جنگل و دریا، زمین‌های کشاورزی تا دشت و کویر، گونه‌های گیاهی و جانوری، معدن و قنات و هر داشته دیگر باید تبدیل به سرمایه‌هایی پایدار شود و این روند به‌گونه‌ای مطلوب رشد یافته، نقایص و مسائل مبتلابه را برطرف کرده، تبدیل به دستاوردی بشری برای سایر نسل‌ها و گونه‌های مختلف زیستی شود.

توسعه و سرمایه اجتماعی جدا از تمام جنبه‌هایش، در روستاها و به‌ویژه روستاهای دوردست در مناطق فقیر و محروم‌مانده، اهمیت و تداعی بیشتری می‌یابد. روستاهایی که زمانی محل مراجعه مردمان شهر برای دریافت انواع خدمات از غذایی تا گردشگری بود، اکنون وابسته جوامع شهری است. اگرچه عوامل مختلفی بر این چرخه بیمار مرتبط است اما هنوز می‌توان با رفع سوءمدیریت‌ها و برنامه‌ریزی‌های قابل اجرا، به احیا و آینده روستاها امیدوار بود. اگرچه خشکسالی دو دهه اخیر به‌ویژه در مناطق روستانشین در استانی مانند سیستان‌وبلوچستان، موجب افول جدی کشاورزی و دامپروری و نیز توقف جدی توسعه در این استان وسیع، پرجمعیت و گرفتار انواع مشکلات خرد و کلان شده است اما واقعیت این است که این موضوع نمی‌توانسته موجب ایستایی توسعه در این استان باشد. تجربه خشکسالی فقط مربوط به ایران نبوده و نیست و قدر مسلم راهکارهایی برای برون‌رفت این استان از فهرست محروم‌ترین استان‌های ایران وجود داشته است. یکی از بزرگ‌ترین مشکلات این استان نبود راه‌های ارتباطی میان روستا تا شهرهاست. جاده عامل اصلی در توسعه است. وجود راه‌ها از زمینی تا هوایی و مسیر شوسه شاخصی جهانی و مهم در تشخیص و تعریف توسعه است؛ چراکه وجود راه‌هاست که می‌تواند امکانات دیگر را نیز به روستاها ببرد. مسئله تغییر ساحت روستا و نزدیکی ساختاری به ماهیت زندگی شهری نیست بلکه اجرای عدالت در چیدمان زندگی روستاییان و برخورداری از امکاناتی است که موجب آسایش و آسودگی در زندگی آنها باشد. روستاییان مناطق محروم نباید از امکاناتی مانند پارک، کتابخانه، مدرسه، درمانگاه و دیگر خدمات رفاهی و آموزشی و بهداشتی بی‌بهره باشند. توجه جدی به بضاعت‌های موجود در روستاها و تقویت و تبلور آن نیز ازجمله مسئولیت‌های مهم برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران روستایی است. برای مثال فراهم‌کردن و گسترش امکان گردشگری داخلی و تقویت صنعت توریسم، توجه به صنایع و هنرهای دستی و احیای هنرها و آیین‌های رو به فراموشی، معرفی فرهنگ مختلف در مناطق روستایی، بهره‌مندی از کشاورزی دقیق با توجه به وجود محدودیت‌های آبی و امکان استفاده از حداقل‌ها در راستای جلوگیری از مرگ زندگی روستایی و خالی‌شدن روستاها از سکنه، استفاده جدی و فراگیر از انرژی‌های سبز به‌خصوص انرژی باد و خورشید که در استان فراوانی دارد. برنامه‌ریزی علمی برای جمع‌آوری سیلاب‌ها و ذخیره آن برای مواقع گرم و خشک سال. برنامه‌های حمایتی از کشاورزان و دامداران در تأمین نهاده‌ها و علوفه و موارد این‌چنینی برای عبور از مصائب خشکسالی و حتی جایگزینی مشاغل پاک.

توسعه و سرمایه اجتماعی نمی‌تواند صرفا چارچوب‌های سیاستی بر روی کاغذهای عریض‌وطویل اداری و برنامه‌های درازمدت بی‌خاصیت و غیرعملی باشد. توسعه و سرمایه اجتماعی زمانی رخ می‌دهد که دولت دوش‌به‌دوش کنشگران اجتماعی و نیز فعالان سایر عرصه‌ها کشور را به شکل عملیاتی، فوری و درعین‌حال آگاهانه و همراه با برنامه‌های مدیریتی و همگام با متخصصان رو به احیا و آبادانی پیش ببرند.

دیدار

کارکردن دل خوش و آرامش فکر می‌خواهد

بهناز شیربانی: آتش تقی‌پور بازیگر، پیش‌کسوت سینما، تلویزیون و تئاترکه ۱۵ فروردین ۷۷ سالگی‌اش را جشن گرفت، مثل همیشه دغدغه انجام کارهایی را دارد که برای مردم کشورش مفید باشد. او که در مدت همه‌گیری کرونا در تلویزیون مشغول ایفای نقش در یک سریال برای شبکه سوم سیما بود، درباره فعالیت‌های اخیرش به «شرق» گفت: «سریالی به نام اپیدمی کار کردم که ۱۰ قسمت آن پخش شد و ۱۷ قسمت دیگر به اسم همه‌گیری احتمالا یک ماه آینده پخش خواهد شد».

بازیگر فیلم «صحنه زنی» درباره کم‌کارشدنش هم گفت: «بخشی از آن به دلیل پیری است و بخشی دیگر به دلیل شرایط نامساعد اجتماعی است. با همه اینها فکر نمی‌کنم چندان کم‌کار شده باشم اما خب یک اثر باید دیده شود و اگر چنین نشود، انگار که کاری انجام ندادی».

بازیگر فیلم «خروج» ادامه داد: «کارکردن دل خوش و آرامش فکر می‌خواهد و افرادی هم که پول می‌گذارند تا از طریق سینما بازگشت مالی داشته باشد، این‌روزها کمی بی‌اعتماد شده‌اند؛ چراکه فکر می‌کنند سرمایه‌گذاری منطقی نیست. در این راه با موانع بسیاری مثل اعمال سلیقه‌های متفاوت و اصلاحیه‌های فراوان روبه‌رو هستند که گاهی آنها را از صرافت کارکردن در این حوزه می‌اندازد. متأسفانه محدودیت‌ها در مدیوم‌های مختلف بیش از سابق شده است اما معتقدم هنرمند در آرامش و آزادی می‌تواند اثر خوب تولید کند. بد نیست که به هم‌دیگر به‌اصطلاح میدان بدهیم و حرف بزنیم. متأسفم که مدت‌هاست دچار کج‌فهمی شده‌ایم و حرف همدیگر را به‌خوبی درک نمی‌کنیم».

بازیگر سریال «شب دهم» در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «بخش زیادی از فعالیت من در تلویزیون بوده و هست و می‌شنوم مردم کمتر به دیدن آثار تلویزیون گرایش دارند و مدیوم‌های دیگر جایش را گرفته است و شاید برخی با خود فکر کنند از تلویزیون چیزی عایدشان نمی‌شود و اکثر مردم به سمت دیدن سریال‌های خارجی تمایل پیدا کرده‌اند».

بازیگر سریال ستایش۳ درباره روزمرگی‌ها و فعالیت‌های اخیرش نیز گفت: «گاهی وقت‌ها می‌نویسم و هرازچندگاهی نمایش‌نامه‌خوانی برگزار می‌کنم. این موارد از جمله کارهایی است که به دغدغه‌های فرهنگی خودم نزدیک‌تر است و احساس می‌کنم با انجام چنین کارهایی مثمرثمرتر هستم. به ساخت فیلم یا سریال خیلی فکر نمی‌کنم اما دوست دارم برای مردم کشورم کارهای فرهنگی متفاوتی انجام بدهم و خودم را راضی کنم».

چه خبر

من بیمار نیستم

ایسنا: طبق گزارش روزنامه یدیعوت آحارونوت ساره نتانیاهو، از اظهارات ایهود المرت، نخست‌وزیر پیشین که او را بیمار روانی خوانده بود، ابراز ناخرسندی کرد و گفت: «من بیمار روانی نیستم». بنیامین نتانیاهو نیز درباره شکایتی که علیه المرت به دادگاه ارائه داده، گفت که همسرش بیماری روانی ندارد و هیچ داروی روان‌درمانی‌ای را مصرف نمی‌کند. او این اخبار را دروغین خواند. شبکه ۱۳ تلویزیون رژیم صهیونیستی اعلام کرد که تیم دفاع از المرت درخواست انجام تست روانی از نتانیاهو و همسرش ساره و پسرش یائیر را از سوی یک روان‌پزشک که دادگاه صلح در تل‌آویو آن را انتخاب کند، داده بودند.

یارانه‌ها

خبرآنلاین: سخنگوی سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها با بیان اینکه یارانه افراد متقاضی بازنگری به حذف یارانه معیشتی هنوز مسدود است، گفت: فهرست ۲.۵ میلیون‌نفری متقاضیان جدید به وزارت رفاه ارسال شد. سیده‌طیبه حسینی درباره اینکه یارانه کمک‌معیشتی مرحله دوم قابل برداشت شد، آیا یارانه افراد متقاضی بازنگری هم قابل برداشت شده است، گفت: فعلا یارانه کسانی که در اردیبهشت‌ماه حذف شده و تقاضای خود برای برقراری مجدد یارانه معیشتی را در سامانه حمایتی وزارت تعاون، کار و رفاه ثبت کرده‌اند، قابل برداشت نشده است. همچنین تا بررسی نهایی وزارت رفاه نهایی نشود، مسدودی از یارانه افراد متقاضی بازنگری رفع نمی‌شود.